

عبارت «ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری قرآن مجید» دارای ابهام است. امکان دارد این عبارت به معنای مشروعیت و یا عدم مشروعیت برگردان کلام الهی به منزله کلامی قدسی، به زبان دیگر باشد و ممکن است به معنای امکان انتقال معنا و پیام کلام وحی به زبان دیگر به ویژه زبان‌هایی که از لحاظ ساختار زبانی و فرهنگی فاصله زیادی با قرآن دارند، باشد. تاریخ اسلام گواه بحث و جدلهای زیاد پیرامون مشروعیت ترجمه قرآن است. در آغاز بیشتر علمای مسلمان مخالف ایده برگردان کلام الهی به زبان دیگر بوده‌اند. آنان با این باور که ترجمه قرآن باعث می‌شود میان مسلمانان و زبان وحی جدایی بیفتد و مسلمانان نتوانند از انوار وحی بهره‌مند شوند، اعتقاد داشتند که برای جلوگیری از چنین زبانی، مسلمانان باید قرائت و تلاوت قرآن را فرا گیرند و آن را به زبان عربی درک کنند. حتی در عصر حاضر، هنوز این ایده در میان اندیشمندانی که به شدت مترجمان را از برگردان کلام الهی باز می‌دارند و ترجمه‌های موجود را نامشروع می‌دانند، وجود دارد که از آن جمله می‌توان از محمد رشید رضا و بعضی از شیوخ الازهر مانند شیخ محمد عبده و شیخ محمد شلتوت که به منع ترجمه قرآن فتوا دادند، نام برد.

بر خلاف این جریان، عده دیگر عقیده داشتند که ترجمه قرآن تنها در صورتی مشروعیت دارد که متن ترجمه در کنار متن عربی قرآن گیرد؛ اما در هر صورت برای تفسیر قرآن منعی وجود نداشت.

اما از آنجا که «هرگونه تلاش در برگردان قرآن کریم اساساً نوعی تفسیر تلقی می‌شود و یا دست کم مبتنی بر نوعی فهم از متن است و بیانگر نقطه نظری خاص... و از آنجا که تفسیر، برداشت و تفسیر در ترجمه قرآن همگی بار تفسیری داشته و این خود موجب مشروعیت چنین تلاش‌هایی است.»<sup>۲</sup> در نتیجه این تلقی که ترجمه قرآن نوعی تفسیر است موجب گردید که فتوای جواز برگردان قرآن از نظر فقهی صادر شود و احکام فقهی مترتب بر قرآن از ترجمه و تفسیر سلب گردید.

آنچه در این نوشتار اهمیت دارد، ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری قرآن در معنای دوم آن است. از این منظر نیز، ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری قرآن مجید از دو بعد قابل بررسی است. زیرا هر برگردان متن از دو فرایند خواندن و یا درک متن در زبان مبدأ و بازنویسی و یا فهماندن متن در زبان مقصد تشکیل شده و فهمیدن متن بر فهماندن آن مقدم است. مترجم در مرحله اول، متن را در قالب زبان مبدأ درک می‌کند که درکی نسبی است. از سوی دیگر، حتی اگر مترجم به درک صحیحی از متن نایل شود ممکن است در مرحله بازنویسی آن در زبان مقصد و یا فهماندن متن - با توجه به ویژگی‌های زبان مبدأ و مقصد - با دشواری‌هایی مواجه گردد. بدین ترتیب در خصوص ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری قرآن دو سؤال اساسی مطرح است که هر یک می‌تواند زمینه بررسی جداگانه فراهم سازد.

۱ - آیا درک صحیح زبان قرآن با توجه به ویژگی‌های آن امکان‌پذیر است؟  
۲ - آیا تفاوت‌های میان زبان وحی و کلام بشری مانع از انتقال آن از طریق ترجمه می‌شود؟  
برای نیل به پاسخ پرسش نخست، باید ویژگی‌های کلام وحی مورد بررسی قرار گیرد.

### زبان قرآن

مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این نکته است که رسولان الهی به زبان قوم خود مبعوث شده، با آنان سخن گفته و به تعلیم آنان پرداخته‌اند: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم؟» (نساء/۱۴) و ما هیچ رسولی را مگر به زبان قوم آن نفرستادیم تا (معارف و احکام الهی را) برای آنان بیان کند. به همین دلیل، قرآن کریم به زبان قوم پیامبر خاتم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی عربی نازل گردید «انما انزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون» (یوسف/۲) ما این قرآن مجید را به عربی فرستادیم؛ باشد که شما (آن را) دریابید؛ گرچه زبان قرآن زبان مردم شبه جزیره عربستان بود و آنان نیز این زبان را نیک می‌دانستند، اما پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها برای ابلاغ کلام الهی به مردم برگزیده نشد؛ بلکه وظیفه تبیین آن را نیز بر عهده داشت «و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهیم و لعلهم یتفکرون» (نحل/۱۶) هم چنان که این قرآن را بر تو نازل فرمودیم، تا برای مردم آنچه را که نازل شده (از احکام و اوامر الهی) به طور مشروح بیان کنی، باشد که آنان عقل خود را بکار بندند. از این رو، می‌بینیم اعراب در زمان حضرت رسول صلی

الله علیه وآله وسلم در مورد معنای برخی واژه‌ها و آیات قرآن اختلاف داشتند و گاهی برای درک معنا دچار مشکل می‌شدند.

بنابراین از همان آغاز نیاز به تبیین مضامین بلند قرآن و حقایق آن احساس می‌شد؛ امری که در گذر زمان به لزوم تفسیر قرآن می‌انجامید. اما باید توجه داشت «قرآن همان‌گونه که متن زبان عربی است متن زبان وحی نیز هست و اگر زبان شناسی در فهم آن مؤثر است بدون زبان‌شناسی وحی نیز نمی‌توان آن را درک نمود.»<sup>۳</sup>

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز قرآن با متون دیگر وحیانی بودن آن است. در یک سو، گوینده کلام خداوند سبحان است که منزله از ویژگی‌ها و خصایص بشری بوده و به عبارت دیگر، گوینده، از سنخ مردم نیست. و در سوی دیگر بشر خاکی قرار گرفته است. تفاوتی اساسی میان تلقی مسلمانان مبنی بر وحیانی بودن قرآن - الفاظ و ساختارهای زبانی آن - و باور مسیحیان در خصوص زبان کتاب مقدس وجود دارد. در باور مسیحیان، وحی تجلی خداوند در جهان خاکی و بهترین نمونه آن تجلی خدا در حضرت مسیح علی نبینا و آله وعلیه السلام است. اما آنچه اکنون با عنوان کتاب مقدس در دست مسیحیان است، کلام الهی نیست؛ بلکه در برهه‌های زمانی مختلف، افرادی مشخص آنچه را که از گفته‌های مسیح علی نبینا و آله وعلیه السلام در خاطر داشتند به رشته تحریر درآوردند. خلیفه در این خصوص چنین می‌نویسد:

«بر اساس دکترین مسیحیت، هر کدام از چهار انجیل توسط انسانی نگاشته شده که او سبک، عقاید و همچنین روش تاریخ نگاری را تحت هدایت روح القدس حفظ کرده است. هرگونه مغایرت میان این انجیل را متألهان مسیحی با استفاده از نظریه رنگ‌آمیزی توسط واسطه توضیح می‌دهند. البته چنین نظریه‌ای برای مسلمانان کاملاً ناشناخته است زیرا ضرورتی برای آن احساس نمی‌شود. علاوه بر این، این چهار انجیل تنها در قالب ترجمه موجودند و نسخه‌های اصلی آن از بین رفته‌اند. لذا هرگونه نقصی در ساختار این انجیل از دید مسیحیت امری قابل قبول تلقی می‌شود.»<sup>۴</sup>

سید حسین نصر کلام باری تعالی را در اسلام و مسیحیت چنین مقایسه می‌کند: «کلام خداوند در اسلام قرآن و در مسیحیت مسیح است. حامل کلام الهی در مسیحیت مریم عذرا است و در اسلام شخص پیامبر. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می‌بایست درس ناخوانده باشد به همان دلیلی که مریم عذرا می‌بایست باکره باشد، حامل انسانی پیام وحی می‌بایست پاک و مطهر باشد.»<sup>۵</sup>

وحیانی بودن قرآن پیش‌فرض‌های چندی برای مترجمان و مفسران قرآن به همراه دارد. نخست آنکه محتوای قرآن وحیانی است و حروف، واژه‌ها و ترکیب آنها نیز وحیانی و مقدسند به گونه‌ای که هیچ بخشی از آن را نمی‌توان بدون وضو لمس نمود: «لایمسه الا المطهرون» (واقعاً ۷۹/۱) برای این آیه مفسران قائل به هر دو برداشت هستند: و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست بزنند و جز پاکان آن را درک نمی‌کنند. دیگر آنکه، ترتیب آیات قرآن نیز توقیفی است و سرانجام اینکه قرآنی که اکنون در اختیار مسلمانان قرار دارد همان قرآنی است که بر رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده است؛ چیزی به آن افزوده یا کاسته نشده است.

در خصوص اثبات وحیانی بودن زبان قرآن رویکردهای متفاوتی وجود دارد: اثبات آن به کمک آیات قرآن و اثبات آن از طریق مباحث مربوط به جنبه‌های ساختاری و سبک بیانی قرآن. آیات متعددی در قرآن بر عدم تحریف و حفظ قرآن توسط خداوند سبحان دلالت دارد: «نَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاَنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر ۹/۱) البته ما قرآن را نازل کردیم و خود (هم) آن را محفوظ خواهیم داشت. «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَاَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت ۴۱/۱) که هیچ‌گونه باطلی، (از هیچ سو) نه از پیش رو و نه از پشت سر به آن راه نیابد. حتی شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نیز هیچ‌گونه حقی در تغییر کلام وحی نداشت. اگر قرآن کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌بود، چرا ایشان بر طبق نص صریح قرآن نمی‌توانستند آن را به دلخواه خویش تغییر دهند؟ «قُلْ مَا يَكُونُ لِي اَنْ اَبْدَلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي اِنْ اَتَّبَعِ الْاَ مَا يُوْحٰى اِلَيْ» (يونس/۱۵) ای رسول (بگو: «مرا نرسد که از پیش خود قرآن را تغییر دهم. من تنها از چیزی که به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. «ما ينطق عن الهوى إن هو الا وحى يوحى» (نجم ۳-۴) و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید این) سخن او (جز وحی خداوند نیست. اعجاز قرآن از نظر لفظ، محتوا و ویژگی‌های آورنده آن از دیگر جنبه‌هایی است که وحیانی بودن قرآن را اثبات می‌کند.

اعجاز لفظی قرآن

نخستین دلیلی که در خصوص اعجاز قرآن مطرح می‌شود بی‌بدیل بودن آن از جنبه‌های ساختاری است. قرآن، همه مردم بویژه مخالفان حضرت رسول خاتم صلی

الله علیه وآله وسلم را به مبارزه فرا خوانده است و از آنان می‌خواهد کتابی مانند قرآن ۶، ده سوره مانند آن ۷ و یا حتی یک سوره مانند قرآن بیاورند. ۸. تحدی در قرآن بیشتر به جنبه‌های ساختاری قرآن کریم مربوط می‌شود. حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم به عنوان یک انسان بدون استعانت وحی الهی هرگز نمی‌توانست کتابی مانند قرآن بیاورد. ۹. مقایسه آنچه پیامبر به عنوان کلام الهی به مردم ابلاغ نموده و دیگر سخنان حضرت، به وضوح بی‌نظیر بودن قرآن را به اثبات می‌رساند. زبان وحیانی قرآن مقوله‌ای غیر قابل تقلید است. «در حقیقت علمای مسلمان بر این باورند که قرآن نه تنها از جنبه محتوا بلکه از نظر زبان هم بی‌بدیل است و دارای زیبایی ادبی و زبانی است که فراتر از هرگونه کلام بشری است.» ۱۰

دومین دلیل، استفاده از عبارتهای نظیر «قول» در «انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً» (مزمّل ۵/ ما) به وحی خود (کلام بسیار سنگین) و گرانمایه قرآن را (بر تو القاء می‌کنیم. «قرائت» در «مخاذا قرأناه فاتبع قرآنه» (قیامت/ ۱۸) آن گاه که آن را خواندیم، تو قرائت آن را پیرو باش؛ «تلاوت» در «ذلك نتلوه عليك من الآيات و الذکر الحکیم» (آل عمران/ ۵۸) اینها که بر تو می‌خوانیم از آیات و اندرزهای حکمت‌آمیز است. و «ترتیل» در «و رتل القرآن ترتیلاً» (مزمّل ۷۲) و آیات قرآن را با توجه کامل بخوان! است. واژه‌هایی نظیر قول، قرائت، ترتیل و تلاوت به روشنی اشاره به خواندن واژه‌ها و ساختارهایی دارد که بیشتر توسط فرد دیگری کنار هم گذاشته شده است. ۱۱. این واژه‌ها از واژه «تکلم» که در فرایند آن، واژه‌ها در کنار هم به کار می‌روند، متمایز هستند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌ها و ساختارهای آیات قرآن منشأ وحیانی دارند.

دلیل سوم بر وحیانی بودن قرآن تلاش‌های فراوان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم برای حفظ قرآن از طریق کتابت وحی توسط کاتبان وحی و نیز از بر کردن آن به دست حافظان قرآن است. امری که باعث شد، قرآن در طول چهارده قرن همچنان از تحریف و تغییر مصون بماند. قرآن همچنان که از نام آن پیداست تنها متن نوشتاری نیست؛ بلکه متنی گفتاری نیز است. بخشی از زیبایی و غیر قابل تقلید بودن قرآن مرهون شیوه‌هایی است که آوا، لحن، وزن و قافیه را در خدمت معنا قرار داده است. آوا و معنا به گونه‌ای منحصر به فرد در یکدیگر تنیده شده است، به گونه‌ای که آیات مربوط به بهشت و جهنم با یک لحن تلفظ نمی‌شود. احساساتی نظیر تعجب، خشم، شادی، تأسف و ترس که از طریق معنای واژه‌ها برانگیخته می‌شود، در تلاوت قاریان رخ می‌نماید. حتی غریب بودن آنچه مردم به خداوند سبحان نسبت می‌دادند از طریق گزینش واژه‌ای که خود به گوش اعراب غریب و نامأنوس جلوه می‌کند به تصویر کشیده شده است «تلك اذا قسمه ضیزي» (نجم ۲۲) در این صورت این تقسیمی غیر عادلانه و نادرست است!

خلیفه در خصوص سبک ادبی قرآن چنین می‌نویسد:  
 «قرآن آشکارا متمایز از سایر آثار نگاشته شده به زبان عربی است چه این آثار شعر باشد، یا نثر با قافیه یا بدون قافیه. زبان گفتاری یا نوشتاری مردم باشد یا حتی سخن خود رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم. بلاغت استثنایی کلام محمد همیشه مورد تأیید قرار گرفته و از طریق احادیث نبوی و تعلیمات ایشان برای ما شناخته شده است. اما هیچ‌کدام از آنها کوچک‌ترین شباهتی به کلام وحی ندارد. کلامی که قدرت همه‌گیر آن اعماق جان آدمی را با روشنی فزاینده خود فرامی‌گیرد. حتی کفار در زمان حیات رسول اکرم بر بی‌بدیل بودن آن مهر صحت نهاده و ساختار متن قرآن را پدیده‌ای استثنایی تلقی کرده به آن «سحر» می‌گفتند.» ۱۲

اعجاز عددی قرآن وجه دیگری از اعجاز لفظی آن است. «با بیان ارتباطات عددی میان الفاظ و حروف قرآن سعی شده نشان داده شود که این روابط عددی نمی‌تواند در سخن بشری تحقق یابد.» ۱۳ برای مثال، در آیه نخست سوره‌های ۵۰ و ۴۲ قرآن کریم، حرف «ق» ذکر شده است و این حرف ۵۷ بار در هر سوره تکرار شده است؛ حال آن‌که طول سوره اول دو برابر سوره دوم است. و یا دفعاتی که واژه‌های «الدنیا» و «الآخرة» در قرآن آمده است با یکدیگر برابر می‌باشد.

اعجاز محتوایی قرآن  
 اعجاز محتوایی قرآن کریم ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آن، عدم وجود هر گونه تناقض و ناهم‌نگی در آیات می‌باشد: ۱۴  
 افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً» (نساء ۸۲)  
 آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند که اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.

به علاوه پیش‌گویی حوادث آینده در قرآن و وقوع آنها، از دیگر وجوه اعجاز محتوایی قرآن است. پیش‌بینی غلبه رومی‌ها در جنگ پس از آنکه از ایرانیان شکست خوردند و دیگر گمان پیروزی آنان نمی‌رفت از جمله پیش‌بینی‌های وحی بود که مردم چند سال پس از نزول آیه، وقوع آن را به چشم دیدند: «غلبت الروم فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون» (روم ۲/۳) رومیان مغلوب شدند. در سرزمینی نزدیک، و پس از مغلوب شدنشان بزودی غلبه خواهند کرد. از دیگر ابعاد اعجاز محتوایی قرآن نکته‌های علمی است که از طریق آیات وحی نازل گردیده است، بخشی از این نکته‌ها در زمان حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم برای مردم قابل درک نبود؛ اما با گذر زمان و وقوع کشفیات علمی این نکته‌ها برای مردم ملموس و قابل فهم گردید. از جمله آنها می‌توان از خلقت انسان که بارها در آیات قرآن بدان اشاره شده است نام برد. «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا مضغة فخلقنا المضة عظما فکسونا العظام لحمًا ثم انشأناه خلقاً آخر» (مؤمنون ۱۲-۱۴) و همانا ما انسان را از گل خالص آفریدیم. آن گاه او را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار گردانیدیم. آن گاه نطفه را علقه (خون بسته)، و علقه را گوشت پاره کردیم، و گوشت پاره را استخوان گردانیدیم، و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس آن را خلقتی دیگر ایجاد نمودیم. بدن انسان از مواد آلی و غیرآلی مختلفی تشکیل شده که روی زمین و یا در زیر آن وجود دارد و از طریق مواد غذایی که از زمین می‌روید جذب موجودات زنده می‌شود و سپس خود تبدیل به سلول‌های مواد می‌گردد. استخوان، گوشت، اندام‌ها و سیستم عصبی در مراحل بعدی شکل می‌گیرد. فرایند دیگر، شکل‌گیری جنین در رحم مادر و دمیدن روح الهی در آن است. هنوز هم نکات بسیاری وجود دارد که حتی پس از چهارده قرن از نزول وحی، همچنان انسان از درک آنها عاجز است و فهم بشری به آنها راه ندارد. قیامت، غیب و مفاهیم بسیار دیگری هستند که بارها و بارها در قرآن مجید به آنها اشاره و ویژگی‌های آنها بیان گردیده؛ اما هنوز دانش بشری نتوانسته آنها را رد و یا اثبات نماید.

اعجاز قرآن از نظر آورنده وحی در آیات چندی از قرآن کریم بر «امی» بودن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تأکید شده است، گویی می‌خواهد از آن در جهت اثبات وحیانی بودن قرآن بهره جوید:

«لذین یتبعون الرسول النبى الامى الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة و الانجیل» (اعراف ۱۵۷)

آنان که از این رسول پیروی کنند، (همان) پیامبر درس ناخوانده که (نام و نشان و اوصاف) او در تورات و انجیل در دست آنهاست. زبان پر مغز، محتوای بلند، مضامین عالی و ویژگی تمثیلی قرآن نمی‌توانسته از ناحیه کسی باشد که نه خواندن می‌دانسته است و نه نوشتن؛ جز آن‌که شخص حضرت خاتم‌صلی الله علیه و آله وسلم خود وسیله انتقال وحی باشد.

«تکیه بر روی جنبه‌های محاوره‌ای و شفاهی قرآن در اصول درس ناخواندگی محمد نهفته است) که از یک سو مؤید وحیانی بودن قرآن است: قرآن محصول تلاش انسانی مکار نیست؛ زیرا پیامبر نمی‌توانست چیزی بنویسد (و نیز در بی‌بدیل و تقلیدناپذیر بودن آن) که متکی بر قابلیت نام‌آوایی قرآن در گزینش واژه‌هاست: هیچ شاعری نمی‌تواند چنین طنین آوایی را خلق کند» ۱۵.

به باور کنت گرگ، منابع کتابی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آورده، نه در کتاب‌ها و کتابخانه‌ها؛ وحی الهی بود و «محرک او نه علم و دانش وی، بلکه اشتیاق او بود. فوران کلمات و جملات... نفوذ خود را از وحی می‌گرفتند و نه از مدارک و شواهد. پیامبر «امی» به معنای درس ناخوانده بود و نه بی‌سواد. قرآن از سپهر تعلم نبود.» ۱۶

از دیگر سو، جدا از ویژگی‌های وحیانی قرآن کریم، زبان قرآن از جنبه‌های دیگری نیز قابل بررسی و مذاقه است. در فرایند برقراری ارتباط، گوینده یا نویسنده از سبک خاصی استفاده می‌نماید که ویژگی‌های خاص خود را دارد. گستره سبک وی ممکن است از سبکی معمولی، صریح، قابل فهم و آسان تا سبکی دارای ایهام، اسرارآمیز و رمزآلود، از ساده تا پیچیده و از زبانی عامیانه و همه فهم تا رسمی و فاخر باشد.

برای درک مقصود و پیام یک متن اعم از نوشتاری یا گفتاری، می‌باید سبک و ویژگی‌های متن را شناخت. شناخت ویژگی‌های متن از اقدام‌های مقدماتی برای درک معنای قرآن کریم به شمار می‌رود. باید توجه داشت از نظر زبان‌شناختی و سبک‌شناسی، قرآن شاهکار زبان عربی است. برای مثال، قرآن ساختار نحوی خاص خود را دارد و از بسیاری جهات با ساختارهای نحوی زبان غیر قرآنی

متفاوت است. به اندازه‌ای که حوزه‌ای به نحو قرآن اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، می‌توان از عربی و عربی قرآن نام برد. در همین ارتباط، هادوی، بر این باور است که قرآن زبان خاص خود را دارد و «چنین هماهنگی الفاظ و معانی، استقلال و پیوستگی مطالب، سازگاری تام مجموعه سخنان، استفاده از سبک‌های گوناگون و در برداشتن مطالب و رازهای شگرف در عین سادگی زبان و وضوح بیان - درست همانند فصاحت و بلاغت آن - معجزه آسا و فوق قدرت بشری است.»<sup>۱۷</sup>

بنابراین، قرآن تمام زمینه‌ها را در بر گرفته است: در آن تلمیح به داستان‌هایی از تورات و انجیل و حوادث تاریخی، گفت و گو و محاوره بین افراد، تمثیل، قوانین و احکام شریعت، صنایع ادبی و موضوعات بسیار دیگر وجود دارد که به گونه بی‌نظیر به یکدیگر گره خورده اند. تمامی این حوزه‌های متنوع فرایند کلامی را به وجود می‌آورند که مختص به قرآن است و با هیچ متن دیگری قابل مقایسه نیست. به علاوه در سراسر قرآن عدول از زبانی ساده و صریح به زبانی تمثیلی مشهود است.

«بسیاری از اوقات در حوزه معارف و مفاهیم عمیق، به دلیل پیچیدگی مطلب و اوج معنا، بیان صریح برای عرف قابل فهم نیست و همین نکته سبب گردیده که در این گونه موارد از شیوه محاوره عرفی عدول و به تمثیل و استعاره، یا به تعبیری آیات محکم و متشابه و مانند آن روی آورد. این شیوه نیز در راستای همان هدف کلی، یعنی هدایت عمومی و گسترده مخاطبان می‌باشد... پس هر چند در حوزه احکام فرعی و مباحث اخلاقی به ظواهر پایبندیم؛ ولی این نکته را می‌پذیریم که در پاره‌ای موارد معارف عمیق به شیوه‌ای تمثیلی آرایه شده است.»<sup>۱۸</sup>

از این رو، انتساب خصوصیات فیزیکی به خداوند سبحان در قرآن به الله<sup>۱۹</sup> فوق ایدیم» (فتح / ۱۰) دست خدا بالای دست آنها است. «الرحمن علی العرش استوی» (طه / ۵) خدای رحمان بر عرش استیلا یافت. با استفاده از زبان تمثیل صورت گرفته و توجه به ظاهر آیات امری ناصواب است؛ زیرا این امر مستلزم آن است که خداوند از لحاظ مکان دارای محدودیت و یا گُلُّ نَعُوذُ بِاللَّهِ<sup>۲۰</sup> دارای اجزاء باشد و این، در تضاد با نامتناهی و غنی بودن خداوند سبحان از هر چیزی است. در خصوص زبان تمثیلی قرآن اسد از مترجمان صاحب نام قرآن کریم به زبان انگلیسی می‌نویسد:

«از طریق به‌کارگیری استعاره‌های و ام‌گرفته شده از تجربه‌های فیزیکی و ذهنی واقعی بشری است که مفاهیم ماورای طبیعت دین که ماهیتاً و رای قلمرو درک و تجربه بشری است، به ما منتقل می‌شود. بنابراین، قرآن به وضوح به ما می‌گوید که بسیاری از عبارات آن می‌بایستی به صورت تمثیل و استعاره بیان می‌شد، صرفاً بخاطر آنکه درک و فهم بشر در نظر گرفته شده است و راه دیگری برای انتقال آنها به ما وجود نداشته است.»<sup>۱۹</sup>

علاوه بر این، زبان عربی قرآن دارای مفاهیمی است که ویژه خود قرآن است و این مفاهیم حتی اگر به زبان عربی غیر قرآنی برگردانده شود، ثمره لازم را نخواهد داد؛ چه رسد به برگردان آنها به زبان‌های دیگر. با عنایت به دشواری ترجمه واژگان قرآن، یوسف علی<sup>۲۰</sup> از دیگر مترجمان مشهور قرآن مجید به زبان انگلیسی بر این باور است که در زبان عربی اصیل، ریشه لغات دارای معانی جامع و فراگیری هستند که امکان درک و تفسیر آنها از طریق شیوه نوین تحلیلی واژه به واژه و یا بهره‌جویی از یک واژه در بافت‌های متفاوتی که واژه در آنها به کار رفته، امری دشوار می‌باشد؛ زیرا حتی اگر یک وجه معنایی خاص در یک عبارت وجه بارز باشد، دیگر وجوه معنایی به صورت پنهان وجود دارند.

یوسف علی واژگان قرآن را به پرتو نوری تشبیه می‌کند که توسط منشور به رنگ‌های مختلفی تجزیه شده باشد. همان‌گونه که از یک زاویه دید، یک رنگ خاص رنگ غالب است؛ اما رنگ‌های دیگر از دید ما پنهان نیستند؛ یک مترجم زمانی که از طریق منشور زبان تحلیلی نوین به یک واژه - که نوری کامل است - می‌نگرد، نباید توجه خود را به یک وجه معنایی خاص معطوف کرده و دیگر معانی را نادیده بینگارد. در چنین صورت، معانی بسیاری از دید او مخفی خواهد ماند.

بخشی از زیبایی، جذابیت و بی‌بدیل بودن قرآن مربوط به شیوه‌ای است که معنا در صوت، لحن، وزن و قافیه رخ می‌نماید. باید توجه داشت، در ترجمه متونی که جنبه‌های صوتی و آوایی آن در کنار جنبه‌های معنایی دارای اهمیت است، مترجمان با دشواری‌های زیادی روبه‌رو هستند؛ زیرا آن بخش از معنا که از طریق مکانیسم آوایی زبان نظیر وزن و قافیه و غیره منتقل می‌شود، در برگردان به دلیل تفاوت‌های ساختاری زبان‌ها به تمامی قابل انتقال نیست. در ترجمه چنین قالب‌هایی که در آن‌ها صورت و معنا به هم درآمیخته‌اند، یا باید صورت را فدای معنا نمود و یا معنا را برگزید و صورت را نادیده

گرفت. از نظر ویدوسن ۲۱ پیچیدگی و دشواری ترجمه شعر در این است که آوا و معنا در یک واحد معنایی نقش‌بندی می‌شود. این دشواری در مورد برگردان قرآن کریم به سبب پیچیدگی و چند وجهی بودن ساختار قرآن مجید بیشتر رخ می‌نماید.

علاوه بر این، در هر زبانی همیشه تفاوت‌هایی از لحاظ گونه‌های کاربردی ۲۲ وجود دارد. کاربرد این گونه‌ها، در موقعیت‌های مختلف، بیانگر نوع زبانی است که در یک تعامل اجتماعی مناسب تشخیص داده می‌شود. متأسفانه، در ترجمه قرآن کریم این ویژگی‌های زبانی نادیده انگاشته شده و بیشتر مترجمان سطح بلاغت زبانی در برگردان قرآن کریم را چندان بالا برده‌اند که با سطح آن در قرآن همخوانی ندارد. آنان چنین پنداشته‌اند که زبان ادبی فاخر می‌تواند آینه ویژگی متعالی آیات الهی باشد؛ در حالی که کلام وحی مشحون از متونی است که از تعامل افراد در موقعیت‌های مختلف حکایت دارد. گفت و گوی میان آنان در موقعیت‌های تعاملی متنوع و متفاوت، دلالت بر نوع زبانی دارد که توسط این افراد استفاده شده است. اینکه گوینده کیست؟ شنونده کدام است؟ رابطه میان آنها چیست؟ موقعیت اجتماعی آنان چیست؟ کی و کجا تعامل رخ داده است؟ چرایی و چگونگی آنها همگی می‌تواند بر روی سطح و گونه زبان به کار رفته تأثیر بگذارد و در نتیجه برگردان متن قرآن نیز باید از آن متأثر باشد.

جای تأسف است که چنین تجزیه و تحلیل‌ها و ملاحظاتی در ترجمه‌های قرآن به زبان‌های دیگر جای نداشته است و بیشتر مترجمان قرآن زبان پیچیده و دارای سطوح متعدد و متنوع قرآن را به زبانی ادبی، پیچیده و بدون هیچ‌گونه تنوعی، فرو کاسته‌اند و یا آن را به زبانی ساده و معمولی و روزمره تبدیل کرده‌اند.

از دیگر ویژگی‌هایی که در مورد زبان قرآن مطرح و در علوم قرآنی به آن پرداخته شده است، مقوله‌هایی نظیر محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین، عام و خاص، مطلق و مقید، شأن نزول و غیره است. مقوله‌هایی که به رغم اهمیت بسیار زیاد آنها در درک زبان قرآن، از پرداختن به آنها صرف نظر می‌کنم؛ اما اذعان دارم، در ترجمه و تفسیر قرآن کریم نمی‌توان از آنها چشم پوشید.

#### تفسیر قرآن کریم

آیات شریفه «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم» (نحل / ۴۴) هم چنان که این قرآن را بر تو نازل فرمودیم، تا برای مردم آنچه را که نازل شده (از احکام و اوامر الهی) به طور مشروح بیان کنی. و لقد ینزل علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم یعلمهم الکتاب و الحکمة» (آل عمران / ۱۶۴) به تحقیق، خداوند بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان مبعوث فرمود تا آیات الهی را بر آنان تلاوت کند و مذهبشان سازد و کتاب دین و حکمت را به آنان تعلیم دهد. به وضوح بیانگر این نکته است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مسؤلیت تبیین و توضیح آیات قرآن و تعلیم آنها را بر عهده داشته است. در زمان حیات و حضور ایشان در میان مردم، آنان با دشواری چندان برای به دست آوردن معنای آیات روبه رو نبودند و در صورت نیاز می‌توانستند با مراجعه به حضرت پاسخ سؤال‌های خود را دریابند؛ اما پس از رحلت ایشان، لزوم حفظ توضیحاتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در خصوص آیات قرآن داده بودند، احساس گردید.

با گذر زمان و تغییرات بنیادینی که در زندگی مردم پدید آمده است، پرسش‌های جدید و مشکلات بسیاری برای مسلمانان ایجاد شده است؛ اما هنوز هم قرآن به عنوان منبع پایان ناپذیر هدایت، برای دریافت پاسخ و حل مشکلات، به حساب می‌آید. به همین دلیل است که پس از رحلت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تفسیرهای بی‌شماری به رشته تحریر در آمده است. تفسیر در زبان عربی به معنای «گشودن»، «توضیح»، «شرح دادن» و غیره می‌باشد. از نظر تخصصی علم تفسیر شاخه‌ای از دانش است که در آن معنای قرآن توضیح و احکام شرعی استخراج و با روشنی شرح داده می‌شود.

باید توجه داشت، با عنایت به وحیانی بودن قرآن و زبان خاص آن نمی‌توان تنها از راه‌کارها و روش‌هایی که در تفسیر دیگر متون به‌کار می‌رود، استفاده نمود. به عقیده عمید زنجانی «تفسیر قرآن به رغم اشتراک زبانی با مملکت سببه دوران جاهلیت، روش متفاوتی را می‌طلبد که از پیش‌فرض‌های برخاسته از تحول و فرهنگ توحیدی نشأت می‌گیرد، قواعد و نظام مشترک زبانی بین این دو نوع مؤلفه الهی و بشری نمی‌تواند موجب اعمال روش واحد باشد.» ۲۳

روش‌های تفسیر  
به طور کلی دو روش برای تفسیر در نظر گرفته شده است: روش تفسیر تحلیلی و روش تفسیر موضوعی.

روش تفسیر تحلیلی یا به عبارت دیگر، ترتیبی روشی است که در آن آیات قرآن با توجه به ترتیب قرار گرفتن آنها در سوره‌های مختلف قرآن بررسی می‌شود و مفسر، متن قرآن را به صورت آیه به آیه مورد شرح و تبیین قرار می‌دهد. وی از ابزار تفسیری که معتقد است می‌تواند او را در این راه مساعدت کند مانند تکیه بر معنای لغوی، احادیث و ارتباط دیگر آیات که واژه و یا معنای مشترکی با آیه مورد نظر دارند، استفاده می‌نماید. البته در این روش، سیاق آیات نیز از نظر مفسر دور نمی‌ماند. باید توجه داشت، این نوع تفسیر اگر به عنوان تنها روش تفسیری استفاده شود، از آن جا که آیات قرآن را به صورت مجزا بررسی می‌کند، دارای کاستی‌های چندی خواهد بود. نتیجه چنین روش تفسیری چیزی جز عقاید و آرای نامنسجم، پراکنده و حجیم نیست. به گونه‌ای که، در عمل، ایجاد ارتباط میان آنها ممکن نمی‌باشد. به علاوه، چنین روش تفسیری بنا ندارد تا نقطه نظر قرآن مجید در خصوص مباحث مختلفی که به فعالیت بشر مربوط می‌شود را بیان نماید. اما از همه این‌ها مهم‌تر اشکالی است که شهید محمد باقر صدر به آن اشاره نموده است:

«مطمئناً پراکندگی ناشی از گرایش‌های تحلیلی مفسر منجر به رشد تعارضات مذهبی چندی در میان مسلمانان گردیده است. کافی است مفسری آیه‌ای بیابد که موضع گروه و فرقه او را تأیید کند. آن را اعلام نموده و طرفدارانی را به دور خود جمع می‌کند. این قضیه در بسیاری از مباحث مربوط به قضا و قدر اتفاق افتاده است. در حالی که اگر مفسر به جای به‌کارگیری روش تفسیر تحلیلی قدمی فراتر نهاده و خود را محدود به جمع‌آوری تعدادی آیات نمی‌نمود، بسیاری از این تعارضات اجتناب‌پذیر بودند.»<sup>۲۴</sup>

روش تفسیر موضوعی یا روش ترکیبی، آن روش تفسیری است که به مطالعه آیات وحی به صورت موضوعی می‌پردازد. در این روش، مفسر با کمک گرفتن از آیات وابسته که در سوره‌های مختلف و در سراسر قرآن پراکنده است، تلاش می‌کند تا دیدگاه قرآن را مشخص سازد. اما باید توجه داشت، هیچ تفسیر موضوعی را نمی‌توان جدای از تفسیر تحلیلی و ترتیبی قرآن به‌کار بست. در خصوص تفسیر موضوعی قرآن سجادی می‌نویسد:

«پیوستگی معارف قرآنی که به عنوان واقعیتی تردیدناپذیر، در محافل پژوهشی شناخته شده است، یگانگی مطالب وابسته به یک موضوع است. چنان‌که پیداست سبک بیانی قرآن به‌گونه‌ای است که یک موضوع بارها و بارها به صورت گسسته در سوره‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون و از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. به شکلی که در نگاه سطحی ممکن است ارتباطی میان آنها دیده نشود، در حالی که این بیان‌های گسسته در باره یک موضوع، نه تنها با یکدیگر پیوند و استمرار دارند بلکه کامل‌کننده و روشن‌گر نیز هستند. و این پژوهشگر توانمند است که می‌تواند به آسانی از این اجزای به ظاهر دور افتاده، واحدهای سازمان یافته را به نمایش بگذارد.»<sup>۲۵</sup>

شهید محمد باقر صدر رواج به‌کارگیری روش تفسیر تحلیلی در پژوهش‌های قرآنی را مانع رشد تفکر قرآنی می‌داند؛ به گونه‌ای که عمومیت این روش منجر به نوعی تکرار در این زمینه گردیده آن قدر که می‌توان گفت:

«با گذشت قرن‌ها از آثار طبری، رازی و شیخ طوسی اندیشه اسلامی هنوز نتوانسته چیز جدیدی را به وجود آورد، و بیشتر آثار تفسیری - به رغم تغییرات بنیادینی که در جنبه‌های مختلف زندگی بشر به وجود آمده - در خلال قرون در حالت سکون باقی مانده است.»<sup>۲۶</sup>

می‌توان نتیجه گرفت توجه به پیوند سیستمی آیات قرآن و در نظر گرفتن این نکته که بیان‌های گسسته درباره یک موضوع در کل قرآن، نه تنها با یکدیگر پیوند استوار دارند که کامل‌کننده و روشن‌گر نیز هستند، باید در کار مفسر قرآن در نظر گرفته شود.

آللهت جوادی آملی پیوند سیستمی آیات قرآن را عامل انسجام آن می‌داند: «سراسر قرآن مثنایی است؛ یعنی به هم منعطفاند و گرایش دارند و یکدیگر را روشن می‌کنند، به یکدیگر تکیه می‌کنند و به یکدیگر پناهنده می‌شوند و این نشانه انسجام قرآن است.»<sup>۲۷</sup>

چنانچه این وجه از ویژگی‌های قرآن مجید نادیده انگاشته شود، چه مفسر و چه مترجم در فهم خود از قرآن دچار مشکل خواهد شد. آنچه در مورد غالب ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن صادق است، استفاده از روش بررسی آیه به آیه بر اساس نظم ترتیبی آیات در قرآن کریم است. این رویکرد در تفسیر و ترجمه قرآن - با توجه به اینکه ترجمه خود نوعی تفسیر است - اگر به عنوان تنها روش درک و فهم قرآن در نظر گرفته شود، مانع ارایه برداشتی قابل قبول از

قرآن کریم خواهد شد. بدیهی است، در مرحله درک و فهم قرآن تفاوتی میان ترجمه و تفسیر قرآن وجود ندارد و بدون درک معنای قرآن ترجمه و تفسیر آن امکان‌پذیر نیست. از این رو ساز و کارهای مفسران قرآن می‌باید راهگشای مترجمان قرآن باشد.

در بخش‌های پیشین گفته شد، ترجمه از دو فرایند فهم متن در زبان مبدأ و فهماندن آن در زبان مقصد تشکیل شده است. بدیهی است، میزان آشنایی مترجم با مکانیسم زبان مبدأ و مقصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما دانستن دو زبان مبدأ و مقصد برای دستیابی به ترجمه‌ای قابل قبول از قرآن کریم کافی نیست. حتی اگر مترجم در مرحله فهم قرآن دچار مشکل نباشد - که امری بسیار دشوار است - به صرف دانستن زبان مقصد نمی‌تواند ترجمه موفقی ارائه نماید. مگر آنکه به تفاوت‌های دو زبان در سطوح مختلف آن (ساختار - معنا - منظور) آشنا بوده و به راه‌های مقابله با آن در برگردان متون احاطه داشته باشد.

بدین‌ترتیب، مکانیسم و ساختار متفاوت زبان‌ها چنین می‌طلبد که نوعی بررسی مقابله‌ای ۲۸ میان زبان مبدأ و مقصد صورت گیرد تا در مرحله فهماندن - با توجه به این‌که این مرحله در زبان مقصد صورت می‌گیرد - نتیجه مطلوب حاصل شود. این مقابله زبانی می‌باید در سطوح مختلف زبان در ساختار، معنا، منظور و همچنین شیوه‌های ارتباط این سطوح بر یکدیگر صورت گیرد تا مترجم بتواند ساز و کارهای بیان مفاهیم ادراک شده را در زبان مقصد بیابد. به طور کلی نقش تحلیل مقابله‌ای در سطوح مختلف زبان در ترجمه و تفسیر متون اسلامی و به ویژه قرآن مجید غیرقابل انکار است. مثالی از قرآن می‌تواند بحث را از صورت نظری خارج و به جنبه عملی نزدیک سازد. مقوله تقدیم و تأخیر از مباحث مطرح در علوم قرآنی و زبان قرآن است. چنانچه مترجم قرآن به فقدان این مقوله در زبان‌های فارسی و انگلیسی عنایت نداشته و راه‌کارهای مقابله با آن را نیازموده باشد، این ویژگی زبان قرآن می‌تواند در فرایند ترجمه مشکل‌آفرین باشد.

از جمله مکانیسم‌هایی که در زبان قرآن مشهود است به‌کارگیری تقدیم و تأخیر در بعضی آیات است؛ به گونه‌ای که ترتیب عناصر زبانی در این آیات، برخلاف انتظار تغییر یافته و نظم زبانی ۲۹ کلام به هم می‌خورد. از نظر شریف مرتضی ۳۰ از علمای شیعه در قرن چهارم هجری قمری مقوله تقدیم و تأخیر به عنوان یک صنعت ادبی در شعر و کلام عرب بسیار آمده است. وی در «غرر الفوائد و درر القلائد» مشهور به امالی، از این سازوکار در تفسیر بعضی آیات قرآن بهره‌جسته است. طبرسی و فخر رازی از جمله مفسران قرآن هستند که این مقوله را در تفاسیر خود مد نظر داشته‌اند. سیوطی ۳۱ با دسته‌بندی انواع تقدیم و تأخیر دو کاربرد برای آنها در نظر می‌گیرد:

یک. آیاتی که درک معنای آنها به ظاهر دشوار است؛ اما زمانی که مقوله تقدیم و تأخیر در آنها بررسی شود معنای آنها روشن و واضح می‌گردد. دو. آیاتی که درک معنای آنها بر حسب ظاهر دشوار نیست؛ اما دلایلی وجود دارد که اجزایی از این آیات بر اجزای دیگر مقدم و یا مؤخر می‌شود. آنچه در این تقسیم‌بندی دوگانه از اهمیت بسزایی در ترجمه قرآن برخوردار است، آیاتی می‌باشد که معنای آنها با در نظر گرفتن مقوله تقدیم و تأخیر روشن می‌گردد، از آن جمله آیه شریفه «فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجة» (انبیاء / ۹۰) آن گاه دعای او را اجابت کردیم، به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته گرداندیم. مترجم: خرمشاهی. دو برداشت متفاوت از جمله «و اصلحنا له زوجة» ما هم درخواست او را پذیرفتیم و یحیی را به او بخشیدیم. همسرش را که نازا بود به صلاح در آوردیم. در ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن رایج شده است:

۱. شایسته گرداندن و اصلاح و مطیع نمودن همسر حضرت زکریا. ۲. آماده بارداری ساختن همسر حضرت زکریا که زنی نازا بوده است. برداشت نخست با توجه به بخش بعدی آیه «انهم كانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغباً و رهباً و كانوا لنا خاشعین» (انبیاء / ۹۰) آنها در کارهای خیر تعجیل می‌کردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و (همیشه) در برابر ما خاشع بودند. نمی‌تواند برداشت درستی باشد؛ اما در خصوص برداشت دوم، ظاهر کلام می‌رساند که منظور از اصلاح همسرش این باشد که او را شایسته برای فرزنددار شدن کرده پس از آنکه مدت‌ها این شایستگی را نداشت و زنی عقیم و نازا بود. همچنان که خودش در دعایش گفته بود: «و کانت امرأتی عاقراً» ۳۲ مترجمان تنها با عنایت به ترتیب زبانی عناصر در این آیه، آن را ترجمه نموده‌اند.

ترتیب زبانی: خداوند دعای حضرت زکریا را اجابت می‌فرماید. حضرت یحیی را به ایشان عطا می‌فرماید. همسرش را شایسته بارداری می‌فرماید.



حال آنکه برخلاف ترجمه‌های موجود، از آن جا که آمادگی برای فرزنددار شدن می‌بایست قبل از اعطای فرزند از جانب خداوند صورت گرفته باشد، نمی‌توان مقوله تقدیم و تأخیر را از نظر دور داشت. برگردان این آیه در کشف الحقایق قابل توجه است: پس دعای زکریا را قبول نمودیم و بعد از آنکه وقت زاییدن عیالش منقضی شده بود و جفت او را زاینده گردانیدیم یحیی را به او بخشیدیم. ۳۳ البته در برگردان این، می‌توان تقدم و تأخر زمانی را با استفاده از ساختارهای مناسب دستوری بدون تغییر اجزای آیه نیز نشان داد. پس دعای زکریا را اجابت نمودیم و یحیی را به او بخشیدیم پس از آنکه همسرش را آماده بارداری نمودیم.

#### نتیجه

ترجمه قرآن با توجه به ساختار آن، ساز و کاری متفاوت از دیگر متون می‌طلبد. زبان‌شناسی وحی و مقوله‌های مطرح در زبان‌شناسی باید در فهم و برداشتهای مترجم و مفسر قرآن لحاظ شود. بررسی مقابله‌ای دو زبان در تمام سطوح در ترجمه قرآن امری اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر، پاکی، صفای دل و اخلاص مترجم و مفسر، طبق نص صریح قرآن، راهنمای آنان در برداشت از قرآن مجید است. در مرحله فهم متن قرآن، مترجم می‌باید از لوازم تفسیر بهره جوید. افت و ریزش معنایی در ترجمه قرآن کریم، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد زبان آن، بسیار بیشتر از دیگر متون است. با اطمینان می‌توان گفت، جنبه‌های مختلف اعجاز لفظی قرآن قابل انتقال در ترجمه نیست. متأسفانه اکثر مسلمانان از درک قرآن به زبان عربی عاجزند؛ اما از آن‌جاکه هدف از نزول قرآن هدایت انسان‌هاست، ترجمه قرآن به مصداق - آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید- امری اجتناب ناپذیر است.

- × چیدمان پی‌نوشت‌های انگلیسی برخلاف روش معمول در زبان و مقالات انگلیسی، به شیوه فارسی و فصلنامه پژوهشهای قرآنی صورت گرفته است تا یکسانی و هماهنگی در ارجاعات حفظ شود.
- ۱ - غضنفری، علی، پیام جاویدان، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۴، شماره ۷۳-۹۸ □۷.
  - ۲- ( . Qur'an )Koran( Translation, In The ۱۹۹۸Mustapha, H. )  
Encyclopedia of Translation Studies. London: Routledge, p. ۲۰۱.
  - ۳ - عمید زنجانی، ابوالقاسم، مبانی و روش‌های تفسیری قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۳/۱۳.
  - ۴- ( . The Sublime Qur'an and Orientalism. London & ۱۹۸۳Khalifa, M. )  
New York: Longman, p. ۷-۸.
  - ۵- ( . Ideas and Realities of Islam. London: George ۱۹۷۲Nasr, H. )  
Allen & Unwin Ltd, p. ۴۳.
  - ۶ - «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا» ( اسراء / ۸۸ ) «بگو اگر انس و جن گرد آیند که نظیر این قرآن را بیاورند، ولو بعضی از آنان پشتیبان بعضی دیگر باشند، نمی‌توانند نظیر آن را بیاورند.» «یا اینکه می‌گویند: «قرآن» ساخته و پرداخته خود اوست.» بگو، پس شما هم با کمک کسانی که توانایی دارند، ده سوره نظیر آن ساخته‌ها را بدون وحی خداوند بیاورید اگر راست می‌گویید.»
  - ۷ - «أم یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات و ادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين» ( هود / ۱۳ )
  - ۸ - «و إن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداء کم ان كنتم صادقين» ( بقره / ۲۳ ) «و اگر شما را رد قرآنی که بر بنده خود (محمد) فرستادیم، شکی است، پس اگر راست می‌گویید (که این کلام مخلوق است و نه کلام وحی) يك سوره مانند آن بیاورید.»
  - ۹ - حسینی، موسی، و حیانی بودن الفاظ قرآن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ شماره ۲۳۳-۲۳۴ / ۲۱-۲۲.
  - ۱۰ - ( . Islam, the Qur'an, and Arabic Literature. ۱۹۹۸Omran, M.H.E. )  
( Ireland: Muhammadi ) In Al-Serat, a Journal of Islamic Studies. XIV:  
Trust of Great Britain. www. islam. org/alserat, p.
  - ۱۱ - حسینی، موسی، همان.
  - ۱۲ - ( . The Sublime Qur'an and Orientalism. London ۱۹۸۳Khalifa, M. )  
New York: Longman, p. ۱۸.

- ۱۳ - هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، تهران، موسسه فرهنگی خانه خرد، ۴۹ / ۷۷.
- ۱۴ - همان.
۱۵. ( . Translating Qur'anic ۱۹۹۰Abedi, M. and Fischer, M. J. )  
 Dialouges: Islamic Poetics and Politics, In Hermeneutics and Poetic  
 ( Binghamton: State Motion, Transation Perspectives. )vol.  
 .۱۱۰University of New York, p.
- ۱۶ - ( . The Event of the Qur'an London: George Allen & ۱۹۷۱Gragg, K. )  
 .۵۳Unwin Ltd, p.
- ۱۷ - هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم / ۲۹۸-  
 .۲۹۹
- ۱۸ - همان، ۳۰۱.
- ۱۹ - ( . The Message of the Qur'an. Gibraltar: Daral - ۱۹۸۰Asad, M. )  
 .۹۹۰Andulus, p.
- ۲۰ - ( .The Meaning of the Holy Qur'an. Maryland: ۱۹۹۲Yusuf Ali, A. )  
 .Amana Corporation, p.xvi
- ۲۱ - ( . Stylistics and the Teaching of ۱۹۸۹Widdowson, H. G. )  
 .۳۷Literature. London: Longman, p.  
 .Register - ۲۲
- ۲۲ - عمید زنجانی، ابوالقاسم، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن / ۲۰-۲۲.
- ۲۴ - ( . Thematic Approach to Quranic Exegeses.' In ۱۹۸۹Sadr, M.B. )  
 -۱: ۲۲Al-Tawhid, a Quarterly Journal of Islamic Thought and Culture.  
 .۲.p.۱۰
- ۲۵ - سجادی، ابراهیم، تفسیر قرآن به قرآن در آموزه‌های عترت، فصلنامه  
 پژوهش‌های قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، شماره ۱۴/۵-۶.
- ۲۶ - ( . Thematic Approach to Quranic Exegeses.' In ۱۹۸۹Sadr, M.B. )  
 : ۳.۲Al-Tawhid, a Quarterly Journal of Islamic Thought and Culture.  
 .۴.p.۱۰-۱
- ۲۷ - جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران، رجا، ۱۳۷۲، ج  
 .۱/۲۹
- Contrastive Analysis - ۲۸  
 Linguistic order - ۲۹
- ۳۰ - موسوی علوی، شریف المرتضی، غرر الفوائد و دررالقلائد (امالی  
 المرتضی) به کوشش محمد فضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۷ م،  
 .۱/۴
- ۳۱ - سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش محمد  
 ابوالفضل ابراهیم، منشورات الشریف الرضی - زاهدی، ۳۸-۴۷ / ۳-۴ □ ۱۳۶۹.
- ۳۲ - طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی  
 همدانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳، ج ۱۴/۴۴۶.
- ۳۳ - حسینی موسوی، محمد کریم، کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق،  
 تهران، حاج عبد الحمید صادق نویری، ۱۳۹۶ ق، ۲/۲۵۷.